



## A Phenomenological Approach to Identifying the Components of Meaning Creation and Its Application in Ontology Based on Peirce's Sign

**Khadije Moradi** 

\*Corresponding author, Ph.D in Information and Knowledge Retrieval, Department of Information Science, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: khadijemorady@gmail.com.

**Amir Ghaebi** 

Associate Professor, Department of Information Science, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: ghaebi@alzahra.ac.ir

**Masoumeh Karbala Aghaei Kamran** 

Associate Professor, Department of Information Science, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: mkamran@alzahra.ac.ir

### Abstract

**Objective:** This study intends to extract the components of the effective concept in transforming the mental concept into a transferable concept from the perspective of experts based on Peirce's sign and introduce it for use in ontologies. It aims to answer the question, what are the components of transforming a mental concept into a transferable concept from the point of view of experts based on the components of creating meaning in semiotics and their application in ontology?

**Methodology:** The research approach was qualitative and the research method was phenomenological. This is because the method of phenomenological research seeks to understand and discover the experience of different people from the phenomenon under study to reach nature of people's lived experiences and deeply describe their life experiences, which are usually narrated in their own language. Using the phenomenological method, it is possible to directly receive the knowledge and experience of different people from concepts and phenomena. In the research community, there were 18 experts in the field of Ashura and tools for data collection, interviews, observation, analysis of the text of interviews. The phenomenological research used in this research was interpretive phenomenology which was done by inductive method.

**Findings:** From analyzing the text of interviews and published memoirs of Ashura experts, 8 main categories and 47 sub-categories were identified and extracted. The result of the analysis showed that there were different stages in the transformation of the mental concept into a transferable concept or meaning, and each stage had several components.

**Conclusion:** The results showed that the processes of transforming the mental concept into a transferable concept with the process of creating meaning. In this process, from the time of receiving the sign, recognizing the phenomenon and forming a concept of it in the individual's mind to transmitting the mental concept to others and creating meaning, various stages and components have been effective, the most important of which is related to individual characteristics. Therefore, focusing on how documents are represented in ontologies and information systems, and even how one interacts with the system, cannot lead to the creation of meaning. Rather, one should pay attention to the characteristics of the individual that are directly related to his mental patterns. The processes of perception and cognition in man have several stages and components related to each stage. Persons have their own personal world and structure their mental patterns based on this world. Therefore, for semantic retrieval, in addition to logical problems, statistical techniques and techniques, computer science and artificial intelligence should pay attention to other sciences such as sociology, psychology, anthropology and linguistics.

**Keywords:** Meaning, Ontology, Peirce, Triad Model, Sign

**Article type:** Research

**How to cite:**

Moradi, K., Ghaebi, A., & Karbala Aghaei Kamran, M. (2023). A Phenomenological Approach to Identifying the Components of Meaning Creation and Its Application in Ontology Based on Peirce's Sign. *Library and Information Sciences*, 26(1), 5-26.

**ARTICLE INFO**

---

**Article history:**

Received: 18/01/2021

Received in revised form: 07/03/2021

Accepted: 14/03/2021

Available online: 01/07/2023

Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi  
Library and Information Sciences, 2023, Vol. 26, No. 1, pp. 5-26.

© The author(s)



## رویکردی پدیدارشناختی به شناسایی مؤلفه‌های خلق معنی و کاربرد آن در هستی‌شناسی بر اساس الگوی سه وجهی نشانه پرس

### خدیجه مرادی

\*نویسنده مسئول، دانش‌آموخته دکتری رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، گرایش بازیابی اطلاعات و دانش، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: khadijemorady@gmail.com

### امیر غائبی

دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: ghaebi@alzahra.ac.ir

### معصومه کربلا آقایی کامران

دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: mkamran@alzahra.ac.ir

## چکیده

**هدف:** این پژوهش قصد دارد تا بر اساس الگوی سه‌وجهی نشانه پرس، مؤلفه‌های مؤثر در تبدیل مفهوم ذهنی به مفهوم قابل انتقال را از دیدگاه صاحب‌نظران استخراج و جهت کاربرد در هستی‌شناسی‌ها معرفی نماید.

**روش پژوهش:** رویکرد پژوهش بر اساس هدف و پرسش مطرح شده، کیفی و روش انجام پژوهش پدیدارشناسی بوده است. جامعه پژوهش ۱۸ نفر از صاحب‌نظران حوزه عاشورا و ابزار گردآوری داده، مصاحبه، مشاهده و تحلیل متن مصاحبه‌ها و خاطرات چاپ شده ایشان بوده است.

**یافته‌ها:** از تحلیل متن مصاحبه‌ها و خاطرات چاپ شده صاحب‌نظران حوزه عاشورا ۸ مقوله اصلی و ۴۷ مقوله فرعی شناسایی و استخراج گردید. نتیجه تجزیه و تحلیل نشان داد که در تبدیل مفهوم ذهنی به مفهوم قابل انتقال یا معنی، مراحل مختلفی وجود داشته و هر مرحله دارای مؤلفه‌های متعددی است.

**نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان داد که از زمان دریافت و شناخت پدیده توسط فرد، تشکیل مفهومی از آن در ذهن وی تا انتقال مفهوم ذهنی به دیگران و خلق معنی، مراحل و مؤلفه‌های مختلفی تأثیرگذار بوده‌اند. شناخت یک پدیده، ساخت الگوهای ذهنی از آن، هدف و انگیزه فرد برای انتقال مفاهیم ذهنی به دیگران، انتخاب زبان مناسب برای انتقال مفاهیم ذهنی و همچنین شناخت شرایط اجتماعی، فرهنگی و نیازهای زمانی مخاطب از مراحل مهم تبدیل مفهوم ذهنی به مفهوم قابل انتقال بوده‌اند. یکی از مهمترین مراحل و مؤلفه‌های خلق معنی ویژگی‌های فرد بوده است. بنابراین، تمرکز بر چگونگی بازنمون مدارک در هستی‌شناسی‌ها و نظام‌های اطلاعاتی و حتی نحوه تعامل فرد با نظام نمی‌تواند به تنهایی منجر خلق معنی شود بلکه باید به ویژگی‌های فردی که ارتباط مستقیمی با الگوهای ذهنی وی دارد، توجه داشت.

**کلیدواژه:** معنی، هستی‌شناسی، پرس (پیرس)، الگوی سه وجهی، نشانه

**نوع مقاله:** پژوهشی

**استناد:**

مرادی، خدیجه؛ غائبی، امیر؛ کربلا آقایی کامران، معصومه (۱۴۰۲). رویکردی پدیدارشناختی به شناسایی مؤلفه‌های خلق معنا و کاربرد آن در هستی‌شناسی بر اساس الگوی سه وجهی نشانه پرس. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۶(۱)، ۵-۲۶.

**تاریخچه مقاله:**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹ تاریخ ویرایش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۴/۱۰

ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۲، دوره ۲۶، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۱، صص. ۵-۲۶.

© نویسندگان



## مقدمه

در طول سالیان و با ظهور دیدگاه‌های مختلف در علم اطلاعات و دانش‌شناسی، همواره سعی شده است متناسب با شرایط زمانی و همچنین فناوری‌های هر عصری نیازهای کاربران با سرعت و اثربخشی بیشتری رفع شود. بر این اساس در حوزه بازیابی از دیدگاه‌های مختلفی برای بهبود نظام‌های بازیابی و رفع نیازهای کاربر استفاده شده است. نظام‌های بازیابی سنتی به دلیل تمرکز بر ساختار نحوی مفاهیم و عدم توجه کافی به معنایی محتوا و همچنین به دلیل بازنمونی ساده از محتوا قادر نبودند کاربر را در یافتن اطلاعات مرتبط یاری کنند (استوجانویک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). در همین راستا، جهت بهبود عملکرد نظام‌های بازیابی سنتی و ارائه شکل پیشرفته‌تری از جستجو، بحث معنی<sup>۲</sup> مطرح گردید. در رویکرد معنایی سعی شد معنی و ساختار به محتوای اطلاعات افزوده و برای جستجو و استخراج پاسخ به پرسش کاربر استفاده گردد (فازینگا<sup>۳</sup> و لوکاسیویک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰) و بازیابی از سطح تطبیق متن به سطح تطبیق مفهوم ارتقا یابد (پارک<sup>۵</sup> و دیگران، ۲۰۱۱). در رویکرد معنایی، نظام‌های بازیابی از مفهوم هستی‌شناسی<sup>۶</sup> در رشته فلسفه برای افزودن معنی به ساختار خود استفاده نموده‌اند.

از دیدگاه فلسفی، هستی از موجودیت‌هایی که با یکدیگر ارتباط مفهومی دارند، تشکیل شده است. این روابط شبکه‌ای از مفاهیم را شکل می‌دهند که کل آن تصویری از هستی را بازنمون می‌سازد (صفری، ۱۳۸۳). هوش مصنوعی<sup>۷</sup> برای نخستین بار از مفهوم فلسفی هستی‌شناسی استفاده کرد و آن را در حوزه‌هایی همچون مهندسی دانش، پردازش زبان طبیعی و بازنمون دانش به کار گرفت. پرکاربردترین تعریف از هستی‌شناسی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی، بر اساس بررسی پژوهش‌های انجام شده در این حوزه علمی، تعاریف گروبر<sup>۸</sup> (۱۹۹۵) و گرینو<sup>۹</sup> و گیرتا<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۵) در حوزه هوش مصنوعی است. گروبر هستی‌شناسی را «تعریف رسمی از مفهوم‌سازی» می‌داند و گرینو و گیرتا (۱۹۹۵) هستی‌شناسی را «یک نظریه منطقی که توصیفی دقیق و جزئی از مفهوم‌سازی ارائه می‌دهد» تعریف کرده‌اند. بر اساس این تعاریف، «مفهوم‌سازی» یکی از مؤلفه‌های اصلی هستی‌شناسی و خمیرمایه بنیادین آن است (صفری، ۱۳۸۳). مفهوم‌سازی به معنی شناسایی مفاهیم، برقراری روابط بین مفاهیم در یک بافت، زمینه یا حوزه علمی است. تعاریف مختلفی که از هستی‌شناسی ارائه

1. Stojanovic
2. semantic
3. Fazzinga
4. Lukasiewicz
5. Park
6. ontology
7. artificial intelligence
8. Gruber
9. Guarino
10. Giarretta

شده، ناشی از تفاوت دیدگاه‌ها در مفهوم‌سازی است. مفهوم‌سازی به عنوان اصل بنیادین هستی‌شناسی سعی دارد تا معنی را بازنمون کند. اما پرسش اصلی این است که مفهوم‌سازی چگونه انجام می‌شود؟ و چطور به ساخت معنی کمک می‌نماید؟

استوارت هال<sup>۱</sup> معنی را محصول برقراری نسبت میان سه مؤلفه «فاعل شناخت‌پرداز»، «موضوع شناخت» شناخت» و «ابزارهای شناخت» معرفی کرده است (گل‌محمدی، ۱۳۸۹). از دیدگاه وی، چیزهایی در جهان خارج و بیرون از ذهن فاعل شناخت‌پرداز وجود دارد که «موضوع شناخت» نامیده می‌شود. فاعل شناخت‌پرداز با استفاده از ابزارهای شناختی خود از چیزها و هستی‌هایی که در جهان خارج وجود دارد، شناختی کسب می‌نماید و آن‌ها را به شکل مفاهیم در ذهن خود بازنمون می‌کند. بنابراین، نخستین مرحله شناخت به واسطه مفهوم صورت می‌گیرد که نوعی ایده و یا تصور ذهنی است. مفاهیمی که نماینده جهان واقعیت‌ها هستند ما را قادر می‌سازند تا چیزهای درون و بیرون ذهن‌مان را مرتبط سازیم. مفاهیم برای این که از ذهن فرد خارج و در بافت اجتماعی استفاده و قابل انتقال به دیگران شوند و در خدمت بقاء و ارتقاء زندگی اجتماعی قرار گیرند، باید قابل انتقال شده و وجه مادی و عینی پیدا کنند تا دیگران بتوانند آن‌ها را به ذهن خود منتقل نمایند. برای رسیدن به این هدف، مفاهیم باید به معنی تبدیل شوند. بنابراین، معنی همان مفاهیم قابل انتقال است. آنچه که برای عینیت بخشیدن مفاهیم ذهنی به کار می‌رود، «نشانه»<sup>۲</sup> است. از طریق نشانه‌هاست که انسان‌ها انسان‌ها می‌توانند مفاهیم را دریافت و آن را به ذهن منتقل نمایند. نشانه در حقیقت بازنمون چیزهای دیگر است. نشانه‌ها توسط ابزاری به نام زبان شکل می‌گیرند که خود مهمترین ابزار ارتباط و معنی‌سازی است (فتاحی، ۱۳۹۷). بر این اساس، آنچه در شناخت و ساخت معنی تأثیر دارد و در نتیجه، می‌تواند در هستی‌شناسی مؤثر باشد، مطالعه نشانه‌هاست.

علمی که به مطالعه نشانه‌ها می‌پردازد، نشانه‌شناسی<sup>۳</sup> نام دارد. چندلر (۱۳۹۴) نشانه‌شناسی را «مطالعه هر چیزی که بر چیز دیگری اشاره دارد» تعریف می‌کند. از دیدگاه وی، نشانه‌ها می‌توانند کلمات، تصاویر، اصوات، اشیا و یا اطوار باشند. اکو<sup>۴</sup> (۱۹۷۸) معتقد است که نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود، سروکار دارد. نشانه‌شناسان در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستند که «معنی چگونه ساخته می‌شود» و «واقعیت<sup>۵</sup> چگونه بازنمون می‌گردد». به عبارت دیگر، نشانه‌شناسی با تولید «معنی» و «بازنمایی<sup>۶</sup>» ارتباط نزدیکی دارد (چندلر، ۱۳۹۴).

1. Stuart Hall  
2. sign  
3. semiotics  
4. Eco  
5. reality  
6. representation

علم نشانه‌شناسی در قرن نوزدهم با آثار فردینان دو سوسور<sup>۱</sup>، زبان‌شناس سوئیسی و چارلز سندرس پرس<sup>۲</sup>، منطق‌دان و فیلسوف پراگماتیست<sup>۳</sup> آمریکایی، رونق گرفت. حول و حوش زمانی که سوسور نظریه نشانه‌شناسی خود را با عنوان سمیولوژی<sup>۴</sup> ارائه داد، پرس به طور مستقل الگویی سه وجهی از نشانه ارائه کرد و نظریه خود را «نشانه‌شناسی» یا «سمیوتیک» نامید. تفاوت نشانه‌شناسی سوسور و پرس این است که سوسور بر نشانه‌های زبانی تمرکز دارد اما نشانه‌شناسی پرس همه نشانه‌ها اعم از زبانی و غیرزبانی را شامل می‌شود.

پرس برای تبیین شناخت و چگونگی خلق معنی از نشانه بهره می‌گیرد. به نظر پرس، تمام اندیشه‌های بشری توسط نشانه‌ها و در پرتو بحث دلالت محقق می‌شود (رضوی فر و غفاری، ۱۳۹۰). تعریفی که پرس از نشانه ارائه می‌دهد، در نگرش وی در مورد عالم تعیین‌کننده است. پرس نشانه را تار و پود همه اندیشه‌های بشری می‌داند و معتقد است که حیات هرگونه علم و حتی ارتباط انسان‌ها به نشانه‌ها وابسته است (رضوی فر و غفاری، ۱۳۹۰). وی نشانه را این‌گونه تعریف کرده است: «بازنمود یا نشانه چیزی است که بر چیز یا فرد دیگری در بعضی وجوه و قابلیت‌ها دلالت می‌کند. یعنی در ذهن آن فرد یک نشانه معادل یا شاید یک نشانه توسعه یافته به وجود می‌آورد. نشانه‌هایی که خلق می‌شود را من تفسیر نشانه نخستین می‌نامم. نشانه بر چیزی دلالت می‌کند که همان موضوع نشانه است. دلالت نشانه نه در تمام ویژگی‌های آن، بلکه در ارجاع به یک ایده خاص است که گاهی آن را زمینه<sup>۵</sup> بازنمود می‌خوانیم» (هوپس<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱). الگوی سه وجهی پرس شامل سه مؤلفه زیر است:

- نشانه یا بازنمود<sup>۷</sup>: نشان دادن چیزی به معنی وسیع کلمه؛

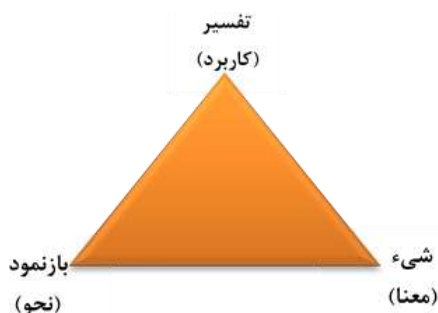
- ابژه یا موضوع، شیء یا متعلق نشانه‌شناختی<sup>۸</sup>: شامل امور قابل تصور از جمله شیء‌ای، حادثه‌ای، رابطه‌ای، کیفیتی، قانونی است؛

- تفسیر<sup>۹</sup>: بر شخص دلالت نمی‌کند بلکه بر تصور ذهنی یا امری که میان نشانه و موضوع رابطه‌ای ایجاد می‌کند، دلالت دارد. پرس تفسیر را همان نشانه در ذهن می‌داند که باعث ایجاد معنی و درک خاصی می‌شود و نه شخص.

---

1. Ferdinand de Saussure  
2. Charles Sanders Peirce  
3. pragmatist  
4. semiology  
5. ground  
6. Hoopes  
7. representamen  
8. object  
9. interpretant

از دیدگاه پرس، برای این که معنی خلق شود باید هر سه مؤلفه «نشانه»، «شیء» و «تفسیر» با یکدیگر حضور داشته باشند. از ارتباط میان این سه مؤلفه است که معنی خلق و فرایند معنی‌سازی شکل می‌گیرد. موریس<sup>۱</sup> (۱۹۷۱) سه مؤلفه الگوی سه وجهی پرس را برای نظام‌های اطلاعاتی تعریف نمود و آن‌ها را «نحو<sup>۲</sup>»، «معنی» و «کاربرد<sup>۳</sup>» نامید. شکل ۱ تعریف مؤلفه‌های نشانه پرس را در نظام‌های اطلاعاتی نشان داده است.



شکل ۱. سه‌گانه موریس در نظام‌های اطلاعاتی بر اساس الگوی نشانه پرس

موریس معتقد بوده است که فرایند خلق معنی از نشانه‌ها می‌تواند در نظام‌های اطلاعاتی به ابعاد «نحوی»، «معنایی» و «کاربردی» تقسیم‌بندی شود. بُعد نحوی به بازنمایی نشانه‌ها مربوط است. بُعد معنایی، معنی نشانه‌ها را بررسی می‌کند و بُعد کاربردی، بر کاربرد نشانه‌ها تمرکز دارد. روابطی که بین این سه بُعد وجود دارد باعث ایجاد خلق معنی می‌شود.

با وجود تلاش‌های بسیاری که در زمینه معنی در نظام‌های بازیابی انجام شده است اما بر اساس پژوهش‌های گردنفورس<sup>۴</sup> (۲۰۰۴)، راوبل<sup>۵</sup> و آدامز<sup>۶</sup> (۲۰۱۰) و هنسن<sup>۷</sup> و شت<sup>۸</sup> (۲۰۱۲) ساختار کنونی وب، وب، معنایی نیست به دلیل این که مسئله شناخت در آدمی یعنی فرایندهایی همچون دریافت، فهم و درک که توسط انسان انجام می‌گیرد؛ در وب معنایی کاربردی ندارد و تنها به طبقه‌بندی و قواعد استنتاجی متکی است و تنها برای استدلال قیاسی مناسب است. همچنین پژوهش مارکوندس<sup>۹</sup> (۲۰۱۳) بر این نکته تأکید کرده است که هستی‌شناسی‌ها عمدتاً بر اساس مفاهیم هوش مصنوعی ساخته می‌شوند و بیشتر بر استنتاج

1. Morris  
2. syntactics  
3. pragmatics  
4. Gärdenfors  
5. Raubal  
6. Adams  
7. Henson  
8. Sheth  
9. Marcondes

متکی هستند و هدف هستی‌شناسی که بازنمون واقعیت برای کاربران انسانی است را در نظر نمی‌گیرند. در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی نیز برای ساخت هستی‌شناسی‌ها از مفاهیم مطرح در هوش مصنوعی و علوم رایانه استفاده شده است. مارتینز آویلا و فاکس<sup>۱</sup> در تحلیل گفتمانی که از ساخت هستی‌شناسی‌ها در سال ۲۰۱۵ در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که در بیشتر پژوهش‌ها به جنبه‌های فناورانه و رسمی‌سازی<sup>۲</sup> هستی‌شناسی توجه شده و به مفاهیم مطرح در علم اطلاعات و دانش‌شناسی از جمله «مفهوم‌سازی» توجهی نشده است. پژوهش موریرا<sup>۳</sup> و مارتینز آویلا (۲۰۱۷) نیز این نکته را تأکید کرده است. در ایران نیز، بر اساس پژوهش‌های انجام شده (کریمی، بابایی، حسینی‌بهشتی، ۱۳۹۸؛ محمدی‌استانی، آذرگون، چشمه‌سهرابی، ۱۳۹۷؛ فتحیان، ۱۳۹۵؛ زرداری، ۱۳۹۵؛ صنعت‌جو، فتحیان، ۱۳۹۱) هستی‌شناسی به عنوان یک ابزار بازنمون دانش معرفی شده است و در ساخت هستی‌شناسی‌ها از مفاهیم و روش‌های هوش مصنوعی و علوم رایانه استفاده شده و پژوهشی که به تبیین مفاهیم مطرح در هستی‌شناسی از جمله مفهوم‌سازی، معنی و بافت فارغ از جنبه‌های فناوری پرداخته باشد، انجام نشده است. همان‌گونه که ذکر شد برای این که شناخت حاصل شود و معنی شکل بگیرد باید به کاربر و تفسیری که در ذهن وی از موجودیت نقش می‌بندد و همچنین بافت و زمینه‌ای که موجودیت در آن قرار گرفته است و باعث ایجاد تفسیر می‌شود، توجه کرد.

بر اساس الگوی سه وجهی پرس، برای ساخت معنی باید سه مؤلفه «نشانه»، «شی‌ای که نشانه به آن اشاره دارد» و «تفسیری که از آن در ذهن شکل می‌گیرد» وجود داشته باشد. بدون هر کدام از این سه مؤلفه معنی شکل نخواهد گرفت. چنانچه نظام‌های بازیابی معنایی و هستی‌شناسی‌ها را بر اساس این سه مؤلفه و تعریفی که موریرا از این سه مؤلفه در نظام‌های اطلاعاتی ارائه کرده است، در نظر گرفته شود؛ این نتیجه حاصل می‌شود که در حال حاضر در نظام‌های بازیابی تنها به دو مؤلفه «نحو» و «معنی» پرداخته‌اند و به تفسیری که در ذهن کاربر نقش می‌بندد و تأثیری که بر وی و عملکرد وی خواهد داشت، توجهی نکرده‌اند. با توجه به آنچه گفته شد، این پژوهش قصد دارد تا بر اساس الگوی سه‌وجهی نشانه پرس مؤلفه‌های مؤثر در تبدیل مفهوم ذهنی به مفهوم قابل انتقال یا همان معنی را از دیدگاه صاحب‌نظران<sup>۴</sup> استخراج نماید و به این پرسش پاسخ دهد که مؤلفه‌های تبدیل مفهوم ذهنی به مفهوم قابل انتقال از دیدگاه صاحب‌نظران بر اساس مؤلفه‌های خلق معنی در نشانه‌شناسی و کاربست آن‌ها در هستی‌شناسی کدامند؟

1. Martinez-Avila & Fox

2. formalization

3. Moreira

۴. منظور از صاحب‌نظران در این پژوهش افرادی هستند که خالق یک اثر هستند و از این طریق نشانه‌هایی را برای دیگر افراد درباره یک موضوع یا واقعه خلق کرده و به آن موضوع یا واقعه معنی بخشیده‌اند.



برای پاسخگویی به پرسش پژوهش، صاحب‌نظران حوزه عاشورا انتخاب شدند. به این دلیل که ۱. عاشورا یکی از باورهای مردم ایران بوده است که با فرهنگ و سنت‌های ایرانی عجین شده است. بیشتر مردم ایران با این واقعه آشنایی داشته‌اند، در نتیجه می‌توان آن را یک حوزه بافت‌محور معرفی کرد. ۲. عاشورا یک حوزه چندوجهی و چندمعنایی است. بدین معنی که هر فردی دارای تفسیری از این واقعه تاریخی-مذهبی است؛ بنابراین، از طریق آن می‌توان عواملی را که بر تفسیر افراد مؤثر هستند شناسایی کرد.

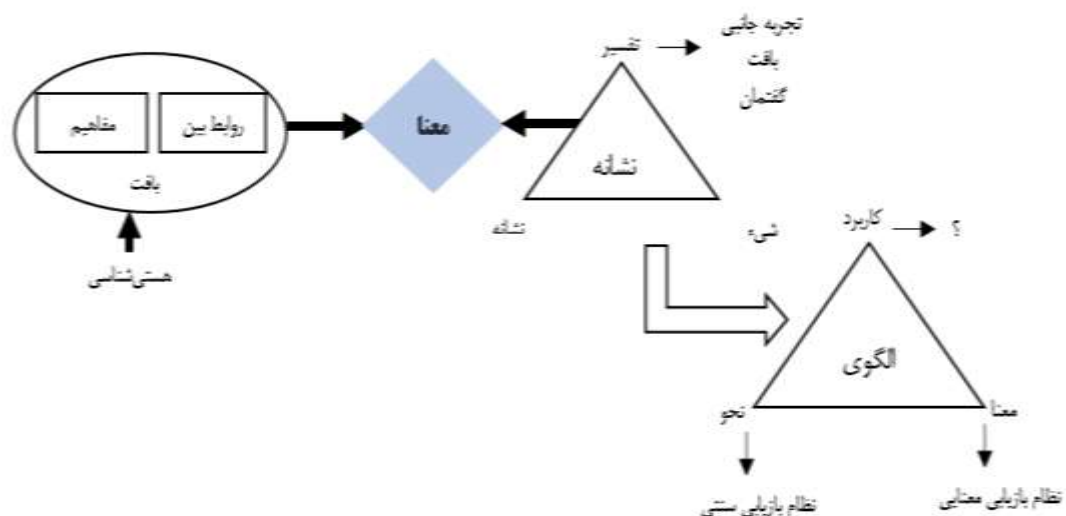
### پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های هستی‌شناسی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی در داخل کشور ایران نشان می‌دهد که دهه ۸۰ شروع پژوهش‌های این حوزه بوده است. در ابتدا بیشتر پژوهش‌ها، مقالات ترجمه شده و یا مطالعات مروری بوده‌اند و در سال‌های پایانی دهه ۸۰ و سال‌های آغازین دهه ۹۰ مطالعات پژوهشی در این حوزه انجام شده است. در ابتدا مطالعات پژوهشی به تبدیل اصطلاحنامه به هستی‌شناسی و تقویت روابط معنایی موجود در آن پرداخته‌اند (صنعت‌جو و فتحیان، ۱۳۹۱؛ زاهدی، امین، کریمی و علی‌بیک، ۱۳۹۲؛ حسینی‌بهشتی و اژه‌ای، ۱۳۹۴). دهه ۹۰ بیشتر پژوهش‌ها به ساخت و طراحی هستان‌نگاری از طریق استخراج مفاهیم و مشخص کردن روابط بین مفاهیم در یک حوزه علمی پرداخته‌اند (زرداری، ۱۳۹۵؛ احمدی، ۱۳۹۶؛ محمدی استانی، آذرگون و چشمه‌سهرابی، ۱۳۹۷). پژوهش‌های انجام شده بیشتر در بافت‌های (کتابداری و اطلاع‌رسانی، پزشکی (گیاهان دارویی)، علم‌سنجی، علوم پایه و علم اطلاعات و دانش‌شناسی) انجام شده است و بیش از ۹۰ درصد از پژوهش‌ها به ساخت و طراحی هستی‌شناسی با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی، علوم رایانه و در برخی موارد تبدیل اصطلاحنامه به هستی‌شناسی پرداخته‌اند. جامعه پژوهش، منابع اطلاعاتی حوزه‌های علمی بوده است که با استفاده از رویکرد تحلیل حوزه، بررسی و مفاهیم آن حوزه استخراج شده‌اند. داده‌های اولیه جهت استخراج دانش در پژوهش‌های انجام شده ۱. داده‌های ساخت‌یافته ۲. داده‌های نیمه‌ساخت‌یافته و ۳. متون به زبان طبیعی بوده‌اند.

تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین این است که پژوهش حاضر ۱. بر یک حوزه بافت‌محور و یک پدیده تاریخی-مذهبی مانند عاشورا پرداخته است. ۲. از جامعه انسانی به جای منابع اطلاعاتی ثبت شده، استفاده کرده است. ۳. بر یکی از مؤلفه‌های هستی‌شناسی یعنی مفهوم‌سازی تمرکز دارد. ۴. از یک نظریه نشانه‌شناسی برای چگونگی ساخت معنی و کاربرد آن در هستی‌شناسی استفاده کرده است.

بر اساس توضیحاتی که در مقدمه و پیشینه پژوهش ذکر شد، نقشه راه یا مدل مفهومی پژوهش در شکل

۲ نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

## روش‌شناسی پژوهش

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، هدف پژوهش کشف مؤلفه‌هایی بوده است که در شکل‌گیری مفهوم در ذهن، بازنمون آن و تبدیل مفهوم ذهنی به معنی نقش داشته‌اند. برای رسیدن به این هدف، لازم بود تجربه‌های زیسته صاحب‌نظران از زبان ایشان روایت شود و در محیط و بافت واقعی آن‌ها استخراج گردد. بنابراین، از رویکرد کیفی و از روش پژوهش پدیدارشناسی<sup>۱</sup> استفاده شده است. به این دلیل که، روش پژوهش پدیدارشناسی در پی فهم و کشف تجربه افراد مختلف از پدیده مورد بررسی برای رسیدن به ذات<sup>۲</sup> و ماهیت تجربه‌های زیسته<sup>۳</sup> افراد و توصیف عمیق تجربه‌های زندگی آن‌هاست که معمولاً از زبان خودشان روایت می‌شود (ویلسون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵). با استفاده از روش پدیدارشناسی می‌توان آگاهی و تجربه افراد مختلف از مفاهیم و پدیده‌ها را بی‌واسطه دریافت نمود. در این روش پژوهش، هیچ متغیر زمینه‌ای کنترل نمی‌شود و در نتیجه پژوهشگر می‌تواند تعریفی عمیق از یک پدیده که تقریباً تمام وقایع تجربه شده افراد را در برمی‌گیرد، ارائه دهد (منصوریان، ۱۳۹۳). پدیدارشناسی به کار رفته در این پژوهش، پدیدارشناسی تفسیری بوده است که با روش استقرایی انجام شده است.

جامعه پژوهش در پدیدارشناسی، افرادی هستند که تجربه‌هایی را درباره پدیده مورد بررسی که پژوهش به دنبال آن است، داشته باشند (کروگر<sup>۵</sup>، ۱۹۸۸). بر اساس هدف و پرسش پژوهش، جامعه مورد نظر پژوهش

1. phenomenology  
2. essence  
3. lived experiences  
4. Wilson  
5. Kruger

افرادی بوده‌اند که آثار شاخصی را در زمینه واقعه عاشورا خلق و منتشر کرده‌اند و از این طریق نشانه‌های مختلفی را درباره این واقعه در قالب‌های مختلف منتشر کرده و جنبه‌های مختلف این واقعه را بازنمون و در این حوزه، معنی خلق کرده‌اند. بنابراین افرادی که در حوزه‌های مختلف همچون «نقاشی»، «خوشنویسی»، «شعر»، «ادبیات داستانی»، «سینما»، «موسیقی»، «تاریخ» و «فیلم» آثار شاخصی را خلق کرده‌اند و آثار ایشان مورد توجه عامه مردم قرار گرفته است، انتخاب شدند. برای انتخاب این افراد از روش «نمونه‌گیری هدفمند» استفاده شده است. گرونه‌والد<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) دو تا پنج شرکت‌کننده را در پژوهش پدیدارشناسی برای اشباع معرفی می‌کند و کرسول<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) نیز مصاحبه‌های طولانی با سه تا ده نفر را برای پژوهش پدیدارشناسی در نظر می‌گیرد. جامعه پژوهش حاضر ۱۸ نفر از صاحب‌نظران عاشورا در حوزه‌های «نقاشی»، «خوشنویسی»، «شعر»، «نویسندگی»، «سینما»، «موسیقی»، «تاریخ» و «فیلم» بوده است.

برای استخراج تجربه‌های زیسته جامعه پژوهش از دو ابزار استفاده شده است:

۱. مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران حوزه‌های «نقاشی»، «خوشنویسی»، «شعر» و «نویسندگی» که دسترسی به ایشان برای پژوهشگر امکان‌پذیر بود. پرسش‌هایی که در مصاحبه با صاحب‌نظران مطرح شده‌اند به دنبال توصیف، رمزگشایی و کشف تجربیات، احساسات و عقاید ایشان در مراحل مختلف خلق و انتشار آثار بوده است. پرسش‌های مصاحبه هر یک از صاحب‌نظران بر اساس اهداف یکسانی طراحی شده بوده‌اند. اما با توجه به این که هر یک از صاحب‌نظران در حوزه‌های موضوعی متفاوتی فعالیت داشته‌اند، هنگام مصاحبه بر اساس حوزه فعالیت فرد برخی از پرسش‌ها تغییر یافته‌اند.

۲. بر اساس پژوهش کرسول (۲۰۱۴) خاطرات و مصاحبه‌های انجام شده که در منابع گوناگون به چاپ رسیده است، می‌تواند منبعی برای روش پژوهش پدیدارشناسی باشد. بنابراین، برای اعتبار بیشتر نتایج پژوهش، مصاحبه‌ها و خاطرات صاحب‌نظران حوزه‌های «سینما»، «موسیقی»، «تاریخ» و «فیلم» که دسترسی به ایشان برای پژوهشگر امکان‌پذیر نبود، از طریق رسانه‌های مختلف از جمله «تلویزیون»، «مجلات»، «کتاب‌ها»، «وبلاگ‌ها»، «وبگاه‌ها» و «شبکه‌های اجتماعی» گردآوری، انتخاب و تحلیل گردید.

برای اعتباربخشی بیشتر، مراحل مختلف انجام پژوهش گام به گام تشریح شده است:

**گام اول:** پیش از اقدام برای انجام مصاحبه با صاحب‌نظران، برای آشنایی بیشتر با آن‌ها و مطرح کردن

پرسش‌های باکیفیت‌تر، مصاحبه‌هایی که در رسانه‌های مختلف با ایشان انجام شده بود، توسط پژوهشگر گردآوری و مطالعه شد.

1. Groenewald

2. Creswell

**گام دوم:** از صاحب‌نظران درخواست شد تا تجربه‌های زیسته خود را درباره مراحل مختلف خلق آثار خود روایت کنند. برای انجام درست این گام، از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. در طول مصاحبه، سعی شده است تا افراد بیشتر روایت‌کننده تجارب خود باشند و پژوهشگر بیشتر شنونده روایت آن‌ها باشد. پرسش‌هایی که در مصاحبه مطرح شده‌اند با در نظر گرفتن مؤلفه‌های مدنظر پژوهشگر با توجه به حوزه موضوعی صاحب‌نظران متفاوت طرح شده‌اند.

**گام سوم:** فایل‌های صوتی مصاحبه‌های انجام شده در قالب متن پیاده‌سازی گردیده است.

**گام چهارم:** متن مصاحبه‌ها برای هر یک از افراد مصاحبه‌شونده ارسال شده و اعتبار مصاحبه‌ها توسط صاحب‌نظران تأیید و در نهایت، از آن‌ها در پژوهش استفاده شده است.

**گام پنجم:** متن مصاحبه‌های صاحب‌نظران «سینما»، «موسیقی»، «تاریخ» و «فیلم» گردآوری شد.

**گام ششم:** بعد از تأیید مصاحبه‌ها توسط صاحب‌نظران، برای شروع مراحل مختلف تجزیه و تحلیل، متن مصاحبه‌ها همراه با خاطرات و تجربه‌های گردآوری شده از رسانه‌های مختلف وارد نرم‌افزار «مکس کیودا نسخه ۲۰۲۰» شده است. بخش‌های مختلف مصاحبه‌ها کدگذاری شده‌اند تا مفاهیم درونی توصیف‌های ضبط شده از زبان مصاحبه‌شونده‌ها و همچنین مصاحبه‌ها و خاطرات چاپ شده در رسانه‌های مختلف استخراج و دقیق‌ترین توصیف از آنچه جامعه پژوهش روایت کرده است، گردآوری شود. برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها از تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی استفاده شده است.

**گام هفتم:** این گام مربوط به ترکیب مفاهیم است. بدین معنی که مفاهیمی که در گام پیشین استخراج شده‌اند، بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها با یکدیگر مقایسه و گروه‌بندی شده‌اند و بر این اساس مقوله‌ها شناسایی و سازماندهی گردیده‌اند. با کنار هم قرار دادن مفاهیم و مقوله‌های کشف شده در مراحل پیشین، شناخت تازه‌ای از کلیت موضوع حاصل شده است. در این گام، چکیده‌ای از تحلیل انجام شده در اختیار جامعه پژوهش قرار گرفت تا از درستی و انطباق آن با تجربه زیسته آن‌ها اطمینان حاصل شود.

جدول ۱ تعداد کدها، مقوله‌های تعریف شده و مقوله‌های فرعی مصاحبه‌های انجام شده را نشان داده

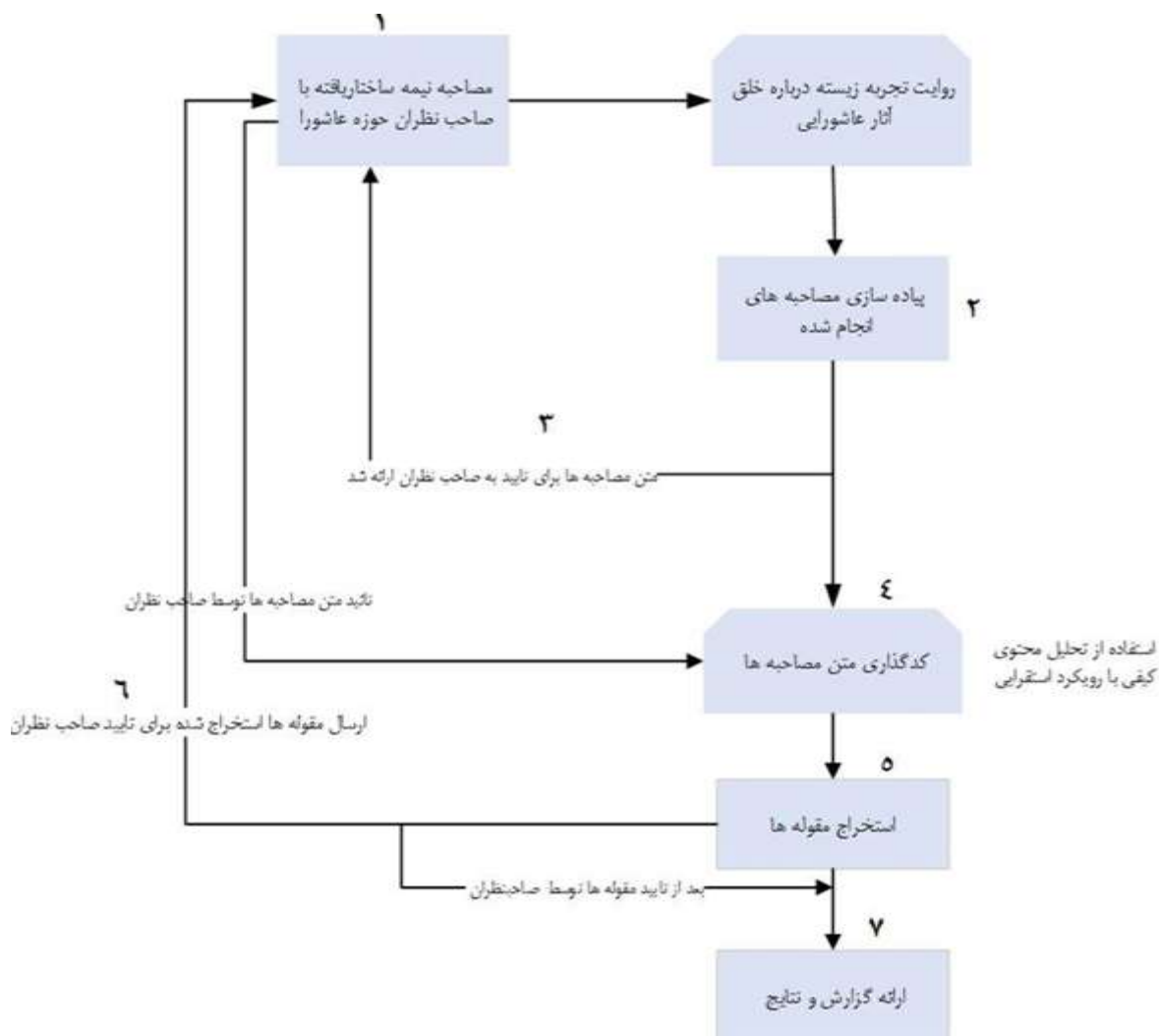
است.

جدول ۱. تعداد کدها، مقوله‌ها و مقوله‌های فرعی مصاحبه‌های انجام شده

ردیف	کدها	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
۱	۳۵۸	۸	۴۷

گام هشتم: گزارش نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌ها

شکل ۳ خلاصه‌ای از گام‌های مختلف انجام روش پژوهش پدیدارشناسی را نشان داده است.



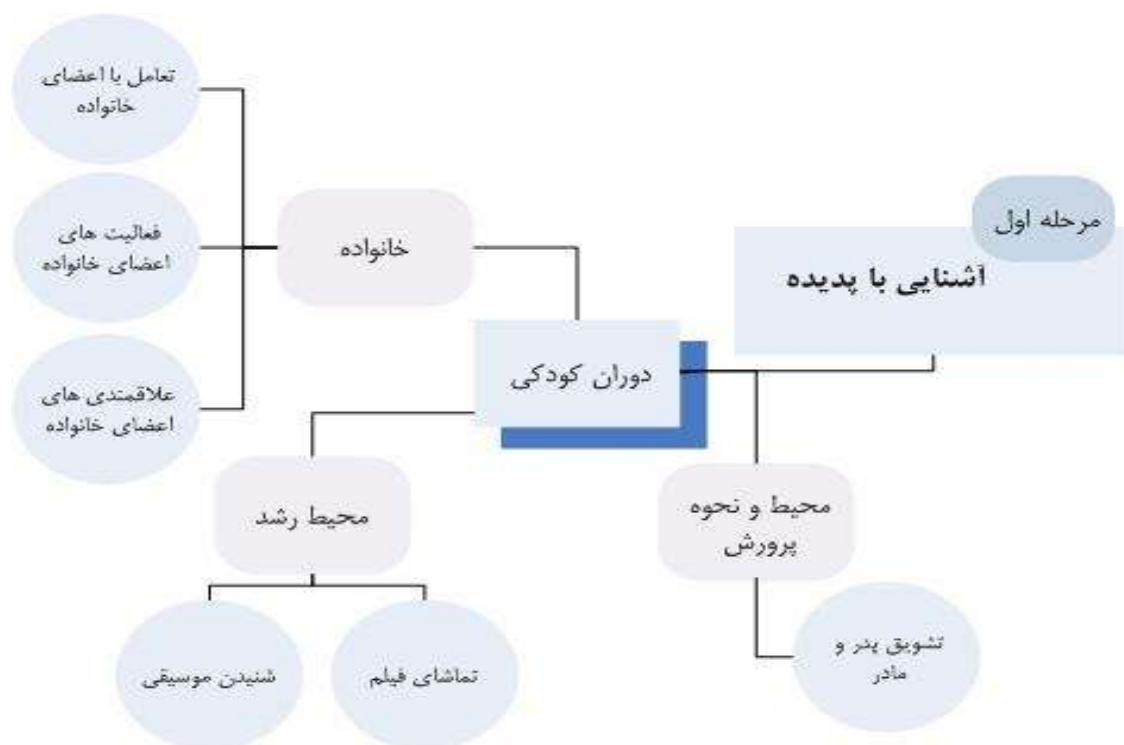
شکل ۳. نمای کلی از گام‌های انجام پژوهش پدیدارشناسی

یافته‌های پژوهش

نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده و همچنین تحلیل تجربه‌ها و خاطرات صاحب‌نظران در حوزه‌های موضوعی مختلف نشان داد که در تبدیل مفهوم ذهنی به مفهوم قابل انتقال یا به اصطلاح معنی، مراحل مختلفی وجود داشته و هر مرحله دارای مؤلفه‌های متعددی بوده است. مراحل و مؤلفه‌های مؤثر هر مرحله شامل موارد زیر بوده است:

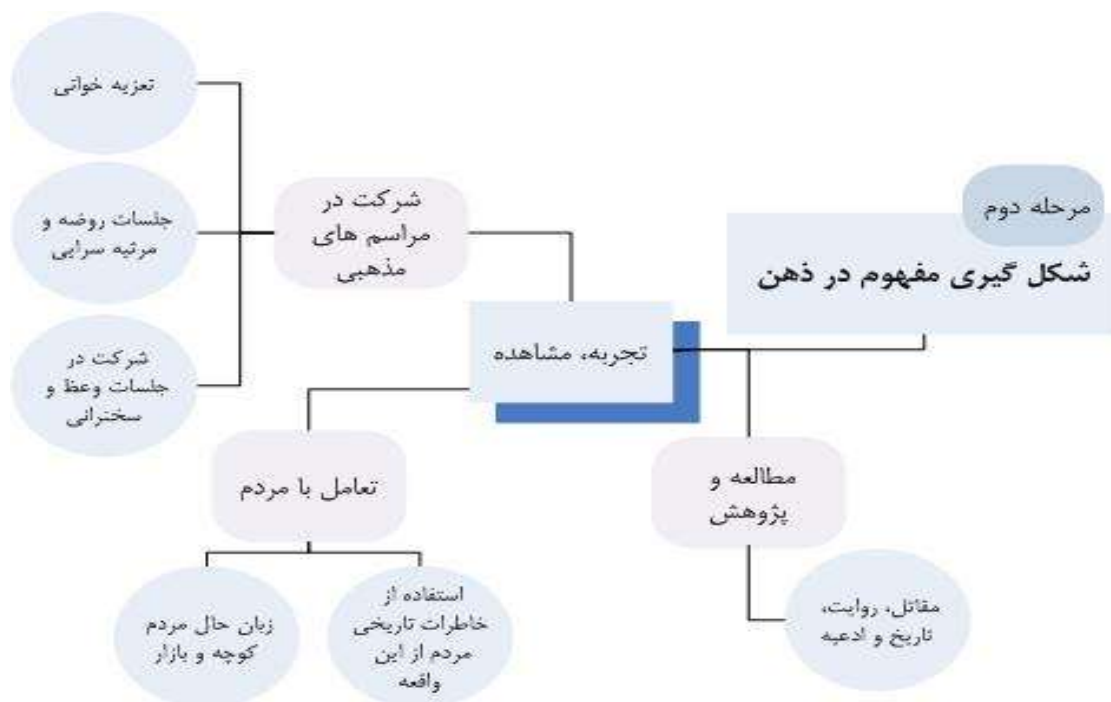
شناخت یک پدیده (مرحله اول): اولین مرحله، شناخت یک پدیده و ساخت مفهوم از آن پدیده در ذهن فرد است. دوران کودکی اولین مرحله شناخت یک پدیده است. تعامل و ارتباط با اعضای خانواده، محیطی که

فرد و خانواده در آن قرار گرفته و همچنین شیوه تعلیم و تربیت فرد بر شناخت وی از یک پدیده مؤثر بوده‌اند. تمامی صاحب‌نظران اولین نشانه‌هایی که باعث توجه آن‌ها به واقعه عاشورا شده است را دوران کودکی خود و تعاملی که با اعضای خانواده داشته‌اند، ذکر کرده‌اند. پرداختن به هنر در خانواده و علاقه اعضای خانواده به هنر، گوش دادن به موسیقی و تماشای فیلم‌ها در زمینه واقعه عاشورا و همچنین تشویق و ترغیب اعضای خانواده (مادر، برادر و...) باعث توجه فرد از دوران کودکی به این واقعه و علاقمندی به آن شده است. شکل ۴، مرحله شناخت یک پدیده همراه با مؤلفه‌های تأثیرگذار این مرحله را نشان داده است.



شکل ۴. مؤلفه‌های مؤثر در شناخت پدیده از دیدگاه صاحب‌نظران

شرکت در جلسات مختلف اعم از جلسات مداحی و روضه‌خوانی، مشاهده آثار هنری، مطالعه منابع مختلف اعم از مقتل‌ها، احادیث و روایات، تاریخ، ادعیه و همچنین صحبت و ارتباط با مردم، روایت واقعه عاشورا از زبان افراد مختلف و استفاده از خاطرات، تفسیرها و برداشت‌هایی که از این واقعه در ذهن داشته‌اند، باعث شده است که صاحب‌نظران شناخت بیشتری از این واقعه پیدا کرده و مفاهیم و الگوهای ذهنی که از این واقعه در ذهن داشته‌اند را توسعه و تکامل دهند. شکل ۵، مرحله دوم شناخت که می‌توان آن را مرحله کسب تجربه و افزایش پیش‌داشته‌های ذهنی نامید را همراه با مؤلفه‌های تأثیرگذار این مرحله نشان داده است.

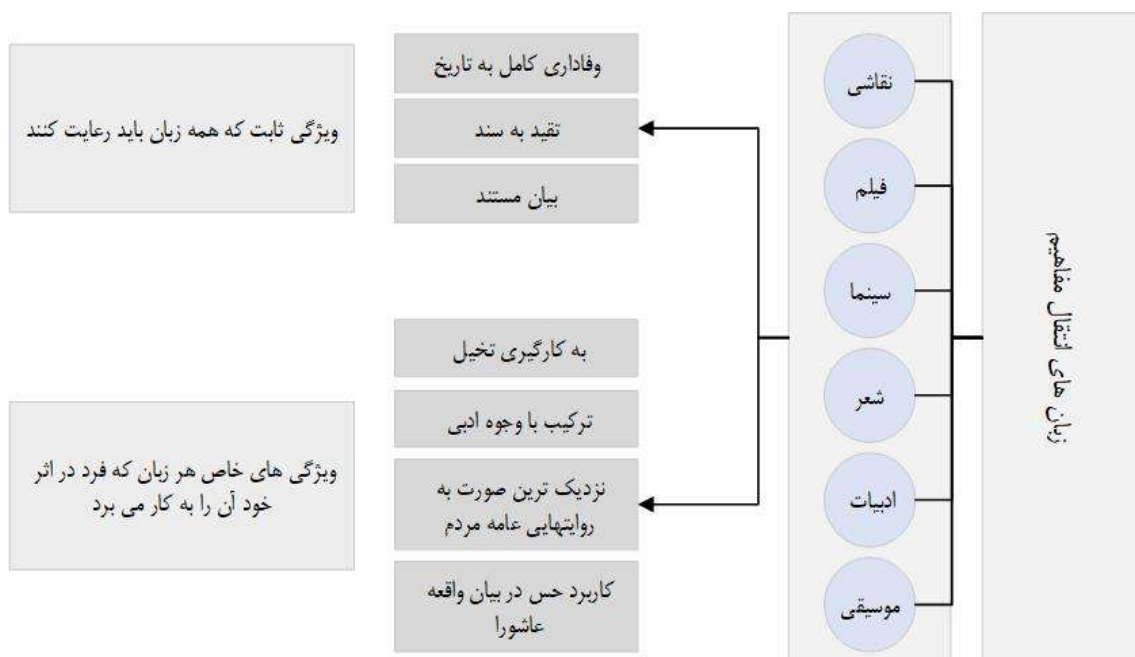


شکل ۵. مؤلفه‌های مؤثر در تکامل شناخت پدیده از دیدگاه صاحب‌نظران

انگیزه و تصمیم برای انتقال مفاهیم ذهنی خود به دیگران (مرحله دوم): بعد از شناخت واقعه و شکل‌گیری بخشی از حقیقت این واقعه در ذهن فرد، عوامل متعددی وجود دارند که باعث می‌شوند تا فرد تصمیم بگیرد که مفاهیم ذهنی خود را به دیگران انتقال دهد و اثری را در این زمینه خلق نماید. بنا بر تجربه‌های زیسته صاحب‌نظران مهمترین دلیل برای خلق آثار عاشورایی «محبت و احساس ارادت به اهل‌البیت» و «ترویج حقیقت واقعه عاشورا» بوده است. در این مرحله فرد به حقیقت واقعه عاشورا باور پیدا کرده و به دلیل ارادتی که نسبت به ایشان داشته است، سعی کرده تا مفاهیم این حوزه را به دیگران منتقل سازد. بنابراین، مؤلفه‌هایی که باعث انگیزه و هدف فرد برای انتقال مفاهیم ذهنی خود به مفاهیم قابل انتقال و خلق یک اثر و معنی آفرینی می‌شود، ریشه در شناخت واقعه، احساس ارادت و باور به اهل‌البیت، باور و یقین به این واقعه و در برخی موارد تبیین بخش‌هایی از این واقعه جهت معنی‌بخشی بیشتر بوده است.

انتخاب «زبان مناسب» برای انتقال مفاهیم ذهنی خود به دیگران (مرحله سوم): هر یک از صاحب‌نظران سعی داشته‌اند تصاویری که از این واقعه در ذهن دارند را با استفاده از یک زبان به دیگران منتقل کنند. برخی از زبان ادبی برای گزارش واقعه عاشورا با ترکیب آن با وجوه ادبی استفاده کرده‌اند، برخی از زبان فیلم و سینما و برخی از صاحب‌نظران با زبان نقاشی سعی داشته‌اند تداعی تجربه ذهنی با مخاطب برقرار سازند و

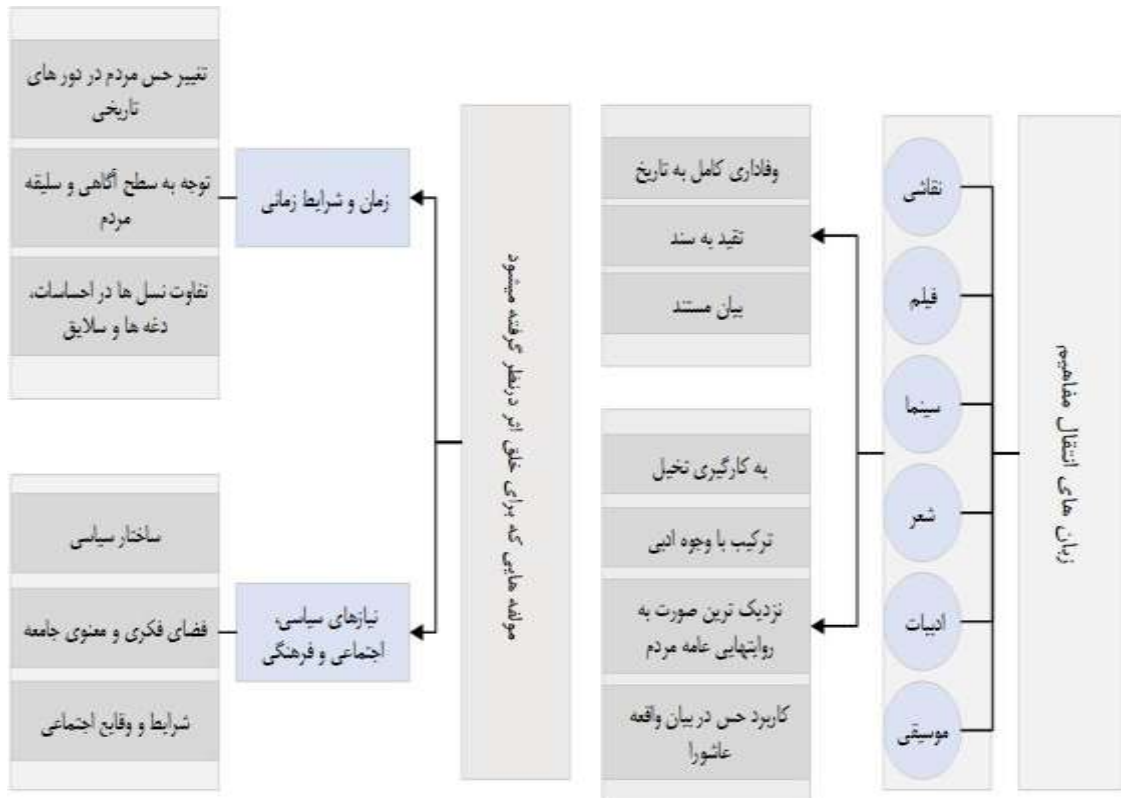
حجم بالایی از اطلاعات را با استفاده از تصویر در کوتاه‌ترین زمان به مخاطب ارائه دهند. شکل ۶، انواع زبان‌های انتقال مفاهیم ذهنی به دیگران که در مصاحبه‌ها توسط صاحب‌نظران بیان شده‌اند را همراه با دو ویژگی مهم آن، ویژگی‌های فنی و محتوایی را نشان داده است.



شکل ۶. انواع زبان‌های انتقال مفاهیم و ویژگی‌های آن‌ها

شناخت شرایط اجتماعی، فرهنگی و نیازهای زمانی مخاطب (مرحله چهارم): صاحب‌نظران در مصاحبه‌های انجام شده علاوه بر مؤلفه‌های ثابت و فنی مرتبط به هر زبان که باید برای بیان مفاهیم در نظر گرفته شود، معتقد بوده‌اند که مؤلفه‌هایی دیگری را نیز باید در نظر گرفت که از طریق آن مخاطبان بیشتری را جذب و تأثیرگذاری بیشتری بر مخاطب داشته باشند. این مؤلفه‌ها مربوط به شناخت شرایط فرهنگی، اجتماعی و شرایط و نیازهای زمانی است که مخاطب در آن قرار گرفته است. آن‌ها معتقد بوده‌اند که هرچه توجه به مخاطب بیشتر شود عیار خالص بودن و کیفی بودن اثر نیز افزایش می‌یابد، همچنین وجه ارتباطی و قابل فهم بودن اثر نیز تقویت می‌شود. وظیفه خالق اثر این است که پایه‌پای مردم حرکت کرده و متناسب با نیاز آن‌ها تولید اثر کند. وقتی فرد با درک درست از نیاز جامعه، طبیعت اطراف و به طور کلی محیط پیرامونش دست به خلق اثری بزند، فضای مناسب فرهنگی، هنری در جامعه ایجاد و در این صورت روابط اجتماعی هم تلطیف می‌شوند. شکل ۷، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر انتقال بهتر مفاهیم ذهنی به مخاطب را نشان داده است.

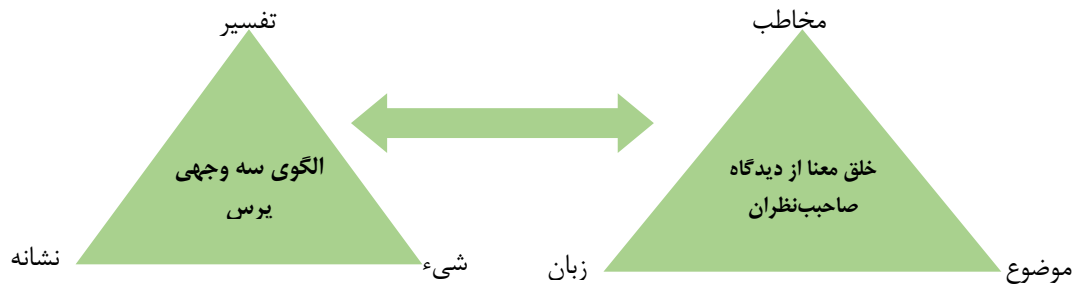




شکل ۷. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر انتقال بهتر مفاهیم ذهنی به مخاطب

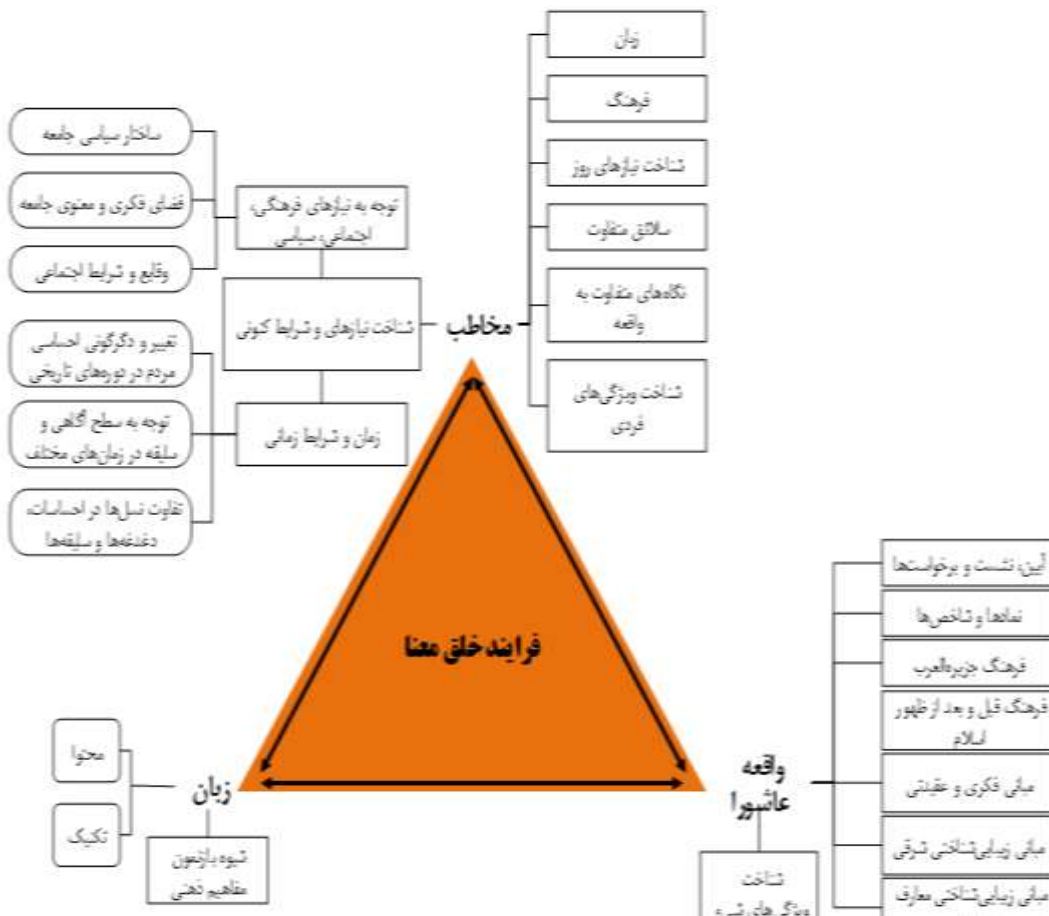
### نتیجه‌گیری

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، صاحب‌نظران در انتقال مفاهیم ذهنی به مفاهیم قابل انتقال و در نتیجه خلق اثر و ساخت معنی‌مرحله‌ای شامل شناخت پدیده، کسب تجربه و پیش‌داشته‌های ذهنی از پدیده، نیت و هدف برای انتقال مفاهیم ذهنی، استفاده از زبان مناسب برای انتقال مفاهیم، شناخت زبان و شناخت مخاطب و ویژگی‌های وی را ذکر کردند. هر مرحله دارای مؤلفه‌های متعددی بوده است که به آن‌ها اشاره شد. اما سه مؤلفه اصلی مربوط به این مراحل «زبان»، «شناخت پدیده یا موضوع» و «مخاطب» بوده است. چنانچه این سه مؤلفه بر اساس مؤلفه‌های الگوی سه‌وجهی پرس‌انطباق داده شود، این نتیجه حاصل می‌شود که همان‌گونه که پرس‌شکل‌گیری معنی را وجود و ارتباط سه مؤلفه «نشانه»، «شیء» و «تفسیر» بیان کرده است؛ از دیدگاه صاحب‌نظران «فرایند خلق معنی» نیز دارای سه مؤلفه مهم «زبان»، «پدیده یا موضوع» و «مخاطب» بوده است. این انطباق در شکل ۸ نشان داده شده است.



شکل ۸. انطباق مؤلفه‌های الگوی سه وجهی پرس با مؤلفه‌های خلق معنی از دیدگاه صاحب‌نظران

همان‌گونه که در شکل ۸ مشخص شده است، صاحب‌نظران در فرایند تبدیل مفاهیم ذهنی به مفهوم قابل انتقال و خلق آثار خود سه مؤلفه اصلی را در نظر داشته‌اند که این سه مؤلفه با سه مؤلفه الگوی سه‌وجهی پرس از نشانه تا حدودی منطبق بوده است. برخی از ویژگی‌های هر یک از مؤلفه‌های مطرح شده در فرایند خلق معنی توسط صاحب‌نظران در شکل ۹ نشان داده شده است.



شکل ۹. مؤلفه‌های مؤثر در فرایند خلق معنی (انتقال مفهوم ذهنی صاحب‌نظران و خلق اثر)

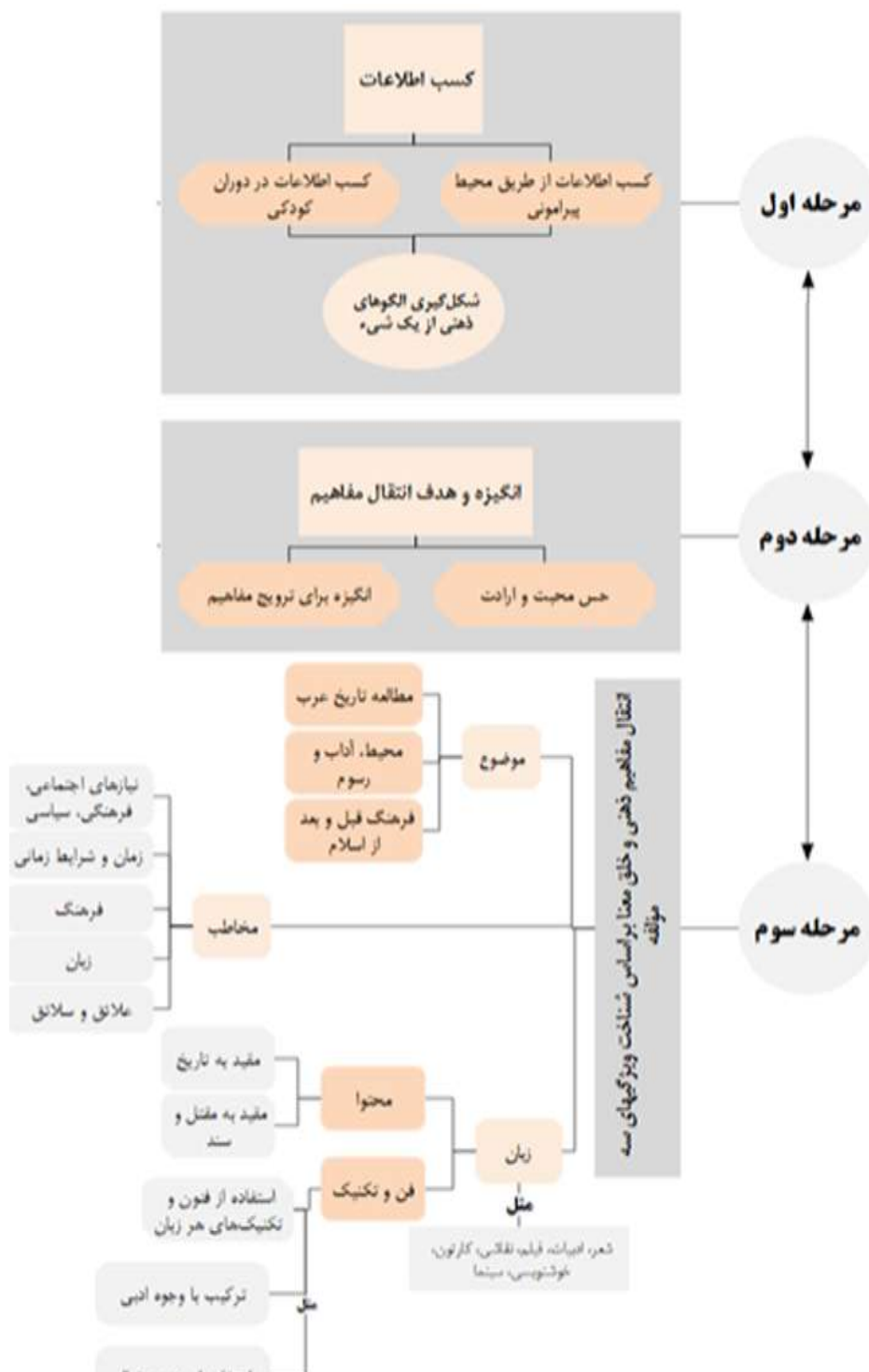
همان‌گونه که در شکل ۹ مشخص شده است، صاحب‌نظران برای انتقال مفاهیم ذهنی خود:

- از یک زبان برای بازنمون مفاهیم و عینیت بخشیدن به مفاهیم استفاده کرده‌اند. ویژگی‌ها، فن و تکنیک را آموخته و بر آن مسلط هستند. هر زبان، ویژگی‌های فنی خاص خود را دارد و می‌تواند تأثیر متفاوتی نسبت به سایر زبان‌ها در مخاطب ایجاد نماید. فرد با توجه به ویژگی‌هایی که قصد دارد از واقعه عاشورا برای مخاطب بازنمون نماید از زبان خاصی استفاده می‌کند. انتخاب نوع زبان و همچنین رسانه‌ای که از طریق آن مفاهیم به مخاطب ارائه می‌شود از دیدگاه صاحب‌نظران مهم بوده است.

- به ویژگی‌های شیء توجه داشته‌اند. صاحب‌نظران از شیوه‌های مختلف اعم از، مطالعه مقتل‌ها، مطالعه تاریخ عرب، مطالعه تاریخ قبل و بعد از ظهور اسلام، شرکت در مراسم‌های تعزیه‌خوانی، مداحی، وعظ و سخنرانی، شنیدن تجربه مردم از این واقعه، شنیدن روایت‌ها و نقل قول‌های مردم کوچه و بازار، تماشای آثار هنری همچون فیلم، شنیدن موسیقی و دیگر آثار در این زمینه به شناخت نسبی از شیء دست یافته‌اند و الگوهای ذهنی و مفاهیم آن را در ذهن خود جای داده‌اند. برای انتقال بهتر و تأثیرگذاری بیشتر این مفاهیم به دیگران، شناخت ویژگی‌های مختلف یک شیء برای انتقال به مخاطب و دیگر افراد لازم است.

- برای اثرگذاری بر مخاطب، به ویژگی‌های مخاطب اعم از بافت، شرایط جامعه‌ای که در آن زیست می‌کند، سلائق، تغییر نیازها، زبان، فرهنگ و رسانه‌هایی که از طریق آن مفهوم به مخاطبان منتقل می‌شود، توجه داشته‌اند.

مراحل مختلفی که در فرایند تبدیل مفهوم ذهنی به مفهوم قابل انتقال (معنی) ذکر شد در پژوهشی که دلفسن<sup>۱</sup>، دلفسن، سورنسن<sup>۲</sup> (۲۰۱۸، ۲۰۱۵) انجام داده‌اند، تاحدودی مشابهت داشته است. آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که فرایند خلق معنی بر اساس الگوی سه وجهی پرس به سه مرحله «اطلاعات»، «حس» و «دانش» دسته‌بندی می‌شود. شکل ۱۰، مراحل تبدیل مفهوم ذهنی به مفهوم قابل انتقال از دیدگاه صاحب‌نظران را نشان داده است.



شکل ۱۰. مراحل تبدیل مفهوم ذهنی به اثر از دیدگاه صاحب‌نظران

همان‌گونه که در شکل ۱۰ مشخص شده است، می‌توان به این نتیجه رسید؛ برای این که معنی خلق شود باید سه مؤلفه الگوی سه‌وجهی نشانه پرس و ویژگی‌هایی که برای هر یک از سه مؤلفه ذکر شده است، در کنار هم وجود داشته باشند. پژوهش‌هایی که به تبدیل اصطلاحنامه به هستی‌شناسی پرداخته‌اند (صنعت‌جو و فتحیان، ۱۳۹۱؛ زاهدی، امین، کریمی و علی‌بیک، ۱۳۹۲؛ حسینی‌بهشتی، ۱۳۹۴). پژوهشی که روابط معنایی را بررسی کرده است (شریف، ۱۳۸۸) و پژوهش‌هایی به تحلیل حوزه و شناسایی ساختارهای مفهومی حوزه‌های مختلف پرداخته‌اند (زرداری، ۱۳۹۵؛ احمدی، ۱۳۹۶؛ محمدی استانی، آذرگون و چشمه‌سهرابی، ۱۳۹۷) تنها به دو مؤلفه «نحو» و «معنی» یعنی به چگونگی بازنمون مفاهیم و ایجاد رابطه ارجاعی بین شیء و بازنمون (نشانه) توجه داشته‌اند و به کاربر و تفسیری که در ذهن وی رخ می‌دهد، کمتر توجه داشته‌اند. بر این اساس می‌توان به این نتایج رسید:

- فرایندهای درک و شناخت در آدمی دارای چندین مرحله و مؤلفه‌های مرتبط به هر مرحله است. هر فردی دارای جهان شخصی مربوط به خود است و الگوهای ذهنی خود را بر اساس این جهان ساختاردهی می‌کند. بنابراین، برای بازیابی معنایی علاوه بر مسائل منطقی، فنون و تکنیک‌های آماری، علوم رایانه و هوش مصنوعی باید به علوم دیگری همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی و زبان‌شناسی توجه داشت.

- همان‌گونه که در شکل ۱۰ مشخص شده است، فرایندهای تبدیل مفهوم ذهنی به مفهوم قابل انتقال با فرایند خلق معنی که در پژوهش دلفسن، دلفسن، سورنسن (۲۰۱۸؛ ۲۰۱۵) ارائه کرده‌اند، منطبق بوده است. در این فرایند از زمان دریافت نشانه، شناخت پدیده و تشکیل مفهومی از آن در ذهن فرد تا انتقال مفهوم ذهنی به دیگران و خلق معنی، مراحل و مؤلفه‌های مختلفی تأثیرگذار بوده‌اند که مهمترین آن مربوط به ویژگی‌های فرد بوده است. بنابراین، تمرکز بر چگونگی بازنمون مدارک در نظام‌های اطلاعاتی و حتی نحوه تعامل فرد با نظام نمی‌تواند منجر به خلق معنی شود، بلکه باید به ویژگی‌های فردی که ارتباط مستقیمی با الگوهای ذهنی وی دارد، توجه داشت.

### سپاسگزاری

از اساتید بزرگوار راهنمای خود جناب آقای دکتر امیر غائبی و سرکار خانم دکتر معصومه کربلایی کامران که بنده را در تدوین رساله دکتری و مقاله حاضر که مستخرج از رساله اینجانب است، یاری و راهنمایی کردند کمال تشکر را دارم. همچنین از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر رضایی شریف آبادی سردبیر بزرگوار نشریه که داور رساله بنده نیز بوده‌اند و همکاران محترم‌شان در نشریه تشکر می‌نمایم. از داوران محترمی که زحمت مطالعه، بازبینی و داوری پژوهش بنده را انجام داده‌اند نیز کمال تشکر و قدردانی را دارم.

## منابع

- احمدی، حمید (۱۳۹۶). طراحی سامانه نیمه‌خودکار ساخت هستی‌شناسی به کمک تحلیل هم‌رخدادی واژگان و روش C-Value (مطالعه موردی: حوزه علم‌سنجی ایران). *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۱(۹۱).
- چندلر، دانیل (۱۳۹۴). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه مهدی پارسا، تهران: سوره مهر.
- حسینی‌بهشتی، ملوک‌السادات؛ اژه‌ای، فاطمه (۱۳۹۴). طراحی و پیاده‌سازی هستی‌شناسی علوم پایه بر اساس مفاهیم و روابط موجود در اصطلاح‌نامه‌های مرتبط. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۳۰(۳).
- رضوی‌فر، املی؛ غفاری، حسین (۱۳۹۰). نشانه‌شناسی پیرس در پرتو فلسفه، معرفت‌شناسی و نگرش وی به پراگماتیسم. *فلسفه*، ۳۹(۲).
- زاهدی، راضیه؛ امین، غلامرضا؛ کریمی، مهرداد؛ علی‌بیک، محمدرضا (۱۳۹۲). روش‌شناسی ایجاد هستی‌شناسی مبتنی بر نظام واحد پزشکی: مطالعه موردی هستی‌شناسی گیاهان دارویی ایران. *فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۳(۶۳).
- زرداری، سولماز (۱۳۹۵). *مهندسی هستی‌نگاری علم اطلاعات و دانش‌شناسی بر اساس «دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی»*. رساله دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- شریف، عاطفه (۱۳۸۸). *تحلیلی بر ذخیره و بازیابی اطلاعات در پرتو نظریه‌های معنایی*. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۰(۲).
- صفری، مهدی (۱۳۸۳). *مدل‌سازی مفهومی در بازنمون رسمی دانش: شناختی از هستی‌شناسی در هوش مصنوعی و نظام‌های اطلاعاتی*. *اطلاع‌شناسی*، ۲(۴).
- صنعت‌جو، اعظم؛ فتحیان، اکرم (۱۳۹۱). روش‌شناسی طراحی، ساخت و پیاده‌سازی هستی‌شناسی: رویکردها، زبان‌ها و ابزارها (مطالعه موردی طراحی هستی‌شناسی ASFAONT در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی). *فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۱(۱).
- فتاحی، رحمت‌اله (۱۳۹۷). *درآمدی بر نظریه داده‌ها: جستاری فلسفی و علمی درباره داده‌ها*. تهران: کتابدار.
- فتحیان، اکرم (۱۳۹۵). *طراحی الگوی هستان‌شناسی فراداده‌ای فهرست کتابخانه ملی ایران مبتنی بر روش داده‌های پیوندی*. رساله دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- کریمی، المیرا؛ بابایی، محمود؛ حسینی‌بهشتی، ملوک‌السادات (۱۳۹۸). بررسی ویژگی‌های معنایی و هستی‌شناسانه نظام‌های بازیابی اطلاعات مبتنی بر اصطلاح‌نامه و هستی‌شناسی. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۳۴(۴).
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۹). *مفهوم، معنی، زبان، حقوق عمومی*، ۲۹(۱۲).
- محمدی‌استانی، مرتضی؛ آذرگون، مریم؛ چشمه‌سهرابی، مظفر (۱۳۹۷). روش‌شناسی ساخت و طراحی هستی‌نگاشت‌ها: مورد پژوهی حوزه علم‌سنجی. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۳۳(۴).
- منصوریان، یزدان (۱۳۹۳). *روش تحقیق در علم اطلاعات و دانش‌شناسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

## References

- Ahmadi, H. (2017). Designing Semiautomatic System in Ontology Structure by to Co-occurrence Word Analysis and C-value Method (Case Study: The field of Scientometrics of Iran). *Journal of Information Processing and Management*, 1(91). (in Persian)

- Chandler, D. (2015). *Fundamentals of Semiotics*. Translated by Mehdi Parsa, Tehran: Surah Mehr.
- Creswell, J. W. (1998). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Traditions*. London: Sage Publications.
- Eco, U. (1978). *A Theory of Semiotics (Advances in Semiotics)*. Bompiani, Milan: Indiana University Press.
- Fathian, A. (2016). *Designing an ontology Model of Metadata Catalog of the National Library of Iran based on the linked data method*. Ph.D Thesis, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad. (in Persian)
- Fattahi, Rahmatollah (2018). *An Introduction to Data Theory: A Philosophical and Scientific Inquiry into Data*. Tehran: Librarian. (in Persian)
- Fazzinga, B., & Lukasiewicz, T. (2010). Semantic Search on the Web. *Semantic Web*, 1(1, 2).
- Gärdenfors, P. (2004). Conceptual Spaces as a Framework for Knowledge Representation. *Mind and Matter*, 2(2).
- Golmohammadi, A. (2010). Concept, Meaning, Language. *Public Law*, 29(12). (in Persian)
- Groenewald, T. (2004). A Phenomenological Research Design Illustrated. *International Journal of Qualitative Methods*, 3(1).
- Gruber, T. R. (1995). Toward Principles for the Design of Ontologies Used for Knowledge Sharing. *International Journal of Human-Computer Studies*, 43(5-6).
- Guarino, N., & Giaretta, P. (1995). Ontologies and Knowledge Bases: Toward A Terminological Clarification. In N J I Mars, *Towards Very Large Knowledge Bases: Knowledge Building and Knowledge Sharing*, Amsterdam: IOS Press.
- Henson, C. A., & Sheth, A. P. (2012). *Semantics of Perception: Towards A Semantic Web Approach to Machine Perception*. Paper Presented at The Dagstuhl Seminar: Cognitive Approaches for The Semantic Web, Schloss Dagstuhl, Germany.
- Hoopes, J. (1991). *Peirce on Signs: Writings on Semiotic by Charles Sanders Peirce*. London: The University of North Carolina Press.
- Hosseini Beheshti, M., & Ejei, F. (2015). Design and Implementation of Basic Science ontology based on Concepts and Relationships in Related Thesauruses. *Journal of Information Processing and Management*, 30(3). (in Persian)
- Karimi, E., Babaei, M., & Hosseini Beheshti, M. (2019). Investigating the Semantic and ontological Features of Information Retrieval Systems based on Thesaurus and ontology. *Journal of Information Processing and Management*, 34(4). (in Persian)
- Kruger, D. (1988). *An Introduction to Phenomenological Psychology*. Cape Town, South Africa: Juta.
- Mansoorian, Y. (2014). *Research Method in Information Science and Epistemology*. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Samat), Center for Research and Development of Humanities. (in Persian)
- Marcondes, C. H. (2013). Knowledge Organization and Representation in Digital Environments: Relations between Ontology and Knowledge Organization. *Knowledge Organization*, 40(2).

- Martínez-Ávila, D., & Fox, M. J. (2015). The Construction of ontology: A Discourse Analysis. In Richard P. Smiraglia and Hur-Li Lee, *Ontology for Knowledge Organization*. Würzburg: Ergon-Verlag.
- Mohammadiostani, M., Azargon, M., & Cheshmeh Sohrabi, M. (2018). Methodology of Construction and Design of ontologies: A Case Study in the Field of Scientometrics. *Journal of Information Processing and Management*, 33(4). (in Persian)
- Moreira, W., & Martinez-Avila, D. (2017). Concept Relationships in Knowledge Orgnaization Systems: Elements for Analysis and Common Research among Fields. *Cataloging & Classification*, 56(1).
- Morris, C. W. (1971). *Writings on the General Theory of Signs (Approaches to Semiotics)*. Netherlands: De Gruyter Mouton.
- Park, J. S., Kim, N. W., Choi, M. J., Jin, Z., & Choi, Y. S. (2011). Semantic Search: A Survey. *Journal of Intelligence and Information Systems*, 17(4).
- Raubal, M., & Adams, B. (2010). The Semantic Web Needs More Cognition. *Semantic Web*, 1(1, 2).
- Razavifar, A., & Ghaffari, H. (2011). Pierce's Semiotics in the Light of His Philosophy, Epistemology, and Attitude Toward Pragmatism. *Philosophy*, 39(2). (in Persian)
- Safari, M. (2004). Conceptual Modeling in the Formal Representation of Knowledge: a Cognition of ontology in Artificial Intelligence and Information Systems. *Informatics*, 2(4). (in Persian)
- Sanatjoo, A., & Fathian, A. (2012). Ontology Design, Construction, and Implementation Methodology: Approaches, Languages, and Tools (Case Study of ASFAONT Ontology Design in the Field of Library and Information Science). *Journal of Library and Information Science*, 15(1). (in Persian)
- Sharif, A. (2009). An Analysis of Information Storage and Retrieval In the light of Semantic Theories. *Educational and Psychological Studies*, 10(2). (in Persian)
- Stojanovic, N. (2005). *Ontology-Based Information Retrieval: Methods and Tools for Cooperative Query Answering*. Ph.D. Thesis. Karlsruhe Institute of Technology, Germany. (in Persian)
- Thellefsen, T., Thellefsen, M., & Sorensen, B. (2015). Introducing a Semeiotic Inspired Concept of Information for Library and Information Science-Breaking the Boundaries of Documents. *Monist*, 3(1).
- Thellefsen, T., Thellefsen, M., & Sorensen, B. (2018). Information as Signs: A Semiotic Analysis of the Information Concept, Determining Its Ontological and Epistemological Foundations. *Journal of Documentation*, 74(2).
- Zahedi, R., Amin, G., Karimi, M., & Alibek, M. R. (2013). Methodology of creating ontology based on a single medical system: A case study of the ontology of Iranian medicinal plants. *Journal of Library and Information Science*, 3(63). (in Persian)
- Zardari, S. (2016). *Information science and ontology engineering based on Library and Information Encyclopedia*. Ph.D Thesis, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz. (in Persian)
- Wilson, A. (2015). A Guide to Phenomenological Research. *Nursing Standard*. 29(34).